



# سیاست

رفتارهای ما در حکمرانی منطق ۹ دی را تقویت می کند یا تضعیف؟

# ۹دی‌ای که بود ۹دی‌ای که هست

آنچه که در خیابان اتفاق می‌افتد را نیز به طور مطلق به آشوب مرتبط دانست. تناظر اتفاقات ۱۴۰۱ با ۸۸ نشان از یک جامعه چندبعدی دارد که اقدامات دستگاه حکمرانی می‌تواند حرکت آن را به سمت خود جهت‌دهی کند. از دل این تناظر پر تکرار می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را بیرون کشید که ارزشیابی آن کمک خوبی به فهم فضای اجتماعی ایران کرده و پیام کنش‌های اجتماعی را نیز قابل درک تر می‌کند.

بی‌حرمتی‌های ۶ دی ۸۸ را در روز عاشورا دیده بودند به فاصله چندروز از التهابات خیابانی چند ماه اخیر در ۶ دی ۱۴۰۱ که مصادف با شهادت حضرت فاطمه(س) بود در مراسم تشییع پیکر ۴۰۰ شهید دفاع مقدس حاضر شدند تا تاریخ را به نحو دیگری بنویسند و نشان دهند آنچه در رسانه‌های برانداز در مورد فضای اجتماعی ایران بازنمایی می‌شود فاصله‌ای بسیار دور با چیزی دارد که واقعیت آن را رقم می‌زند. اما به هر حال نمی‌شود

عوامل میدانی آن نشان داد. نکته جالب توجه در مورد حماسه ۹ دی حضور افرادی در بین جمعیت بود که خود به نتیجه رقم خورده در انتخابات معترض بودند اما زمانی که با ساحت بی‌شرمانه آشوب مواجه شدند به سيل جمعیت پیوستند تا زمینه سوءاستفاده از مطالبه خود را بر طراحان قتنه ببندند.

حال ۱۳ سال از آن زمان می‌گذرد و تاریخ بار دیگر این بار در نمونه‌ای با ابعاد کوچک‌تر تکرار شده است. مردم ایران که



## مشابهت‌های صحنه آرایي حوادث ۸۸، پاییز ۱۴۰۱ و واکنش‌های تاریخی مردم

و قتل نیکا شاکرمی در ناآرامی‌های اخیر یکی از نمونه‌های این وجه اشتراک میان دو مقطع مهمی است که به آن اشاره شد. رسانه‌های ضدایرانی در آج درگیری‌های سال ۸۸ با ضریب دادن به یک خبر جعلی از شخصی به‌نام ترانه موسوی نوشتند که به ادعای آنها «توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و بعد از تجاوز و شکنجه به قتل رسیده است.» اتفاقی که دقیقاً در روزهای پایانی شهریور ۱۴۰۱ و اوایل شکل‌گیری ناآرامی‌های خیابانی درباره نیکا شاکرمی، دختر نوجوان ۱۶ ساله ساکن تهران تکرار شد. این رسانه‌ها درباره نیکا که با پردن از ارتفاع خودکشی کرده و جان خود را از دست داده بود نوشتند: «بعد از بازداشت و شکنجه توسط مأموران کشته شده و جسدش به جای نامعلومی انتقال داده شده‌است!» رسانه‌هایی هم از تجاوز به او نوشتند که همه این جعلیات بعد از بررسی‌های پزشکی قانونی رد شد. نکته دیگری که در هر دو مقطع شاهد مانور گسترده صحنه‌گردان‌های التهابات بر آن بودیم، جنس بهانه آن التهاب شکل گرفته بود. به این معنا که در هر دو مورد، بهانه به‌نوعی بود که بعد از راستی‌آزمایی ثابت شد صحت ندارد. در مورد اول بهانه دست بردن در آرای انتخابات و تقلب، که با تایید نمایندگان قانونی گاندهاها مشخص شد واقعیت نداشته و در مورد دوم، فوت تلخ مهسا امینی به دلیل ضرب و شتم نیروهای

تحریم‌طلبی که تلاش می‌کرد تا به یکی از لیدرهای این ناآرامی‌ها تبدیل شود و جلسه اعضای پارلمان ایتالیا با مریم رجوی، رهبر یکی شاخص‌ترین سازمان‌های تروریستی تاریخ معاصر ایران. جلسات و دیدارهایی که البته نتیجه آنها حتی تضعیف نظام هم نبود. به اعتراف لادن برومند، مدیر بنیاد ضدایرانی برومند و از شرکت‌کنندگان در جلسه خصوصی ۲۰م آبان‌بار رئیس‌جمهور فرانسه، مکرون حتی در این جلسه که پشت درهای بسته و کاملاً کنترل‌شده در حال برگزاری بوده هم آب پاکی را روی دست براندازان ریخته که «ما نه وظیفه داریم، نه اعتقاد داریم و نه مایلیم که نظام سیاسی شما را تغییر دهیم! اظهاراتی که البته در پشت‌صحنه میان رئیس‌جمهور فرانسه و براندازان ردوبدل شد و نشان از آن داشت که غربی‌ها با وجود تلاش همه‌جانبه‌شان برای دامن زدن به التهابات داخلی کشورمان، در نهایت نتوانستند واقعیت را نادیده گرفته‌و مثل اپوزیسیون خیال‌پرداز خارج‌نشین، درباره سرنوشت ناآرامی‌های داخلی ایران رویابافی کنند. یکی دیگر از وجوه اشتراک ناآرامی‌های اخیر با التهابات بعد از انتخابات سال ۸۸، حجم وسیع دروغ‌های دست‌به‌دست‌شده در شبکه‌های اجتماعی برای عمیق‌تر کردن شکاف‌های موجود میان مردم و حاکمیت است. دروغ مشابه شکنجه و قتل دختر جوانی به نام ترانه موسوی در سال ۸۸ و خبر جعلی شکنجه

اگر قرار باشد ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ را با حوادث منتهی به روز ۹ دی در سال ۱۳۸۸ مقایسه کنیم، می‌توان به وجه اشتراک‌های متعددی میان این دو مقطع مهم در تاریخ بعد از انقلاب اشاره کرد. شاید بتوان پررنگ‌ترین وجه اشتراک موجود میان حوادث این دو مقطع را تلاش همه‌جانبه دولت‌های ضدایرانی برای روشن نگه داشتن آتش ناآرامی‌ها و درگیری‌های خیابانی در شهرهای کشور دانست. تلاشی که البته ایایی هم از روشن شدن ابعاد آن برای افکار عمومی داخل ایران نداشتند. اظهارات مداخله‌جویانه مقامات کشورهای آلمان، انگلیس، فرانسه، آمریکا و کانادا را می‌توان از جمله این تلاش‌ها دانست. دولت‌های غربی البته علاوه بر اظهارات مداخله‌جویانه به حمایت گسترده از شبکه‌های ضدایرانی هم پرداختند. شبکه‌های فارسی‌زبان اصالتاً سعودی و انگلیسی که رسماً و علناً مخاطبان داخل ایران‌شان را به افزایش خشونت، آشوب و دامن زدن به هر چه و مرج دعوت می‌کردند. مقامات دولت‌های غربی هم به‌نظر می‌رسید در اتخاذ مواضع ضدایرانی و دیدار با چهره‌های شکست‌خورده شاخص از بین براندازان در حال رقابت با یکدیگر بودند. از مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که با ویرانی طلبانی مثل مسیح علی‌نژاد و لادن برومند دیدار کرد، تا دعوت بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا از نازنین بنیادی، بازیگر هالیوودی



## ظرفیت‌های دی ۸۸ در آینه‌دی ۱۴۰۱

اما زمانی که مطالبات از فضای صنعتی فاصله گرفت، آن جمعیت چندمیلیونی و کثیر در ابتدای جنبش، به یک جمعیت اقلیت در پایان جنبش تبدیل شدند. همین مساله در ناچینش امسال هم صدق می‌کند. شهریورماه زمانی که هسته اولیه اعتراضات شکل گرفت، بخشی از بدنه مردمی نیز برای بیان مطالبات خود با اعتراضات بدون رهبر ایجاد شده، همسو شد. اعتراضاتی که در ادامه به همین دلیل نبود رهبر و مطالبه واحد رو به افول گذاشت و رفته‌رفته به آشوب‌های پراکنده تغییر ماهیت داد. حضور رهبری واحد باعث می‌شود تا جمع‌بندی و تصمیم‌گیری در مورد مطالبه ایجاد شده، زودتر به نتیجه برسد اما فقدان این امر مسیر نتیجه‌گیری را مختل نموده و چه‌سبا موج آشوب طولانی‌تری را نیز حاصل شود. موجی که مورد استقبال کشورهای غربی و جریان‌های برانداز نیز قرار گرفت و آنها را از سودای مصادره‌واید احتمالی، به مدین در آتش خیابان تشویق نمود. البته حضور مردم در ۹ دی ۸۸ پیام خوبی را از جامعه ایران به جهان منتقل کرد و همین پیام باعث شد در موج‌های آشوبی که در سال‌های بعد شکل گرفت دولت‌های غربی دچار توهم براندازی نشده و با چشم‌پازتری در آشوب‌ها مشارکت کنند. همین مواجهه با چشم باز است که باعث می‌شود مکرون علی‌رغم حمایت از چهره‌های اپوزیسیون، در برابر کمک‌به مطالبه براندازی آنها جواب نه داده و برای مذاکره با ایران راهی بغداد شود تا نشان دهد غرب توان براندازی را برای خود متصور نبوده و حمایت از اپوزیسیون کاربردی بیشتر از امتیازگیری از ایران ندارد.

سال ۸۸ شباهت‌ها و البته تفاوت‌هایی با این روزهای ۱۴۰۱ دارد. دال مرکزی و شباهت ماجراهای سال ۸۸ و ۱۴۰۱، مطالبه است، مطالبه‌ای که عمده بدنه آن مردمی بود. تفاوت‌های این مطالبات در دو سال مذکور مورد بحث‌های بسیاری قرار گرفته، اما همه اتفاق نظر دارند که آنچه در ۱۳ سال پیش اتفاق افتاد، جنبش بود چراکه لیدری واحد و مشخص داشت که آن را رهبری می‌کرد. اما آنچه که در مطالبات امسال بیش از هر چیزی در چشم می‌آید را صرفاً می‌شود جمع‌ات و اعتراضات دانست که نه تنها لیدری واحد بر آن حاکم نبود بلکه مطالبه مشخصی را نیز دنبال نمی‌کرد. همین مساله «جنبش بودن اتفاقات سال ۸۸»، و «جنبش نبودن اتفاقات سال ۱۴۰۱» دو مقوله‌ای است که تفاوت‌ها را پررنگ‌تر می‌کند. برای مثال در سال ۸۸ اگر بین لیدر و حاکمیت مسامحه می‌شد، نه مطالبات مردم به حاشیه رانده می‌شد نه سوءاستفاده‌های خارجی از آن جنبش می‌شد. خیلی از مردم شاید آن روزها را به‌خاطر داشته باشند. آن زمان اعتراضات به‌حدی رادیکال شد که دیگر رسماً از مرز اعتراض عبور کرد و طولانی‌تر از حد ممکن نیز شد، تا جایی که دیگر بحث مطالبه مردم نبود، بلکه گروه‌های مختلف مطالبه مدنی مردم را به حاشیه رانده و کار را تا توهمین و هتاک‌ی به امام حسین(ع) در محرم همان سال پیش بردند. اقداماتی که باعث شد خود جنبش سبز نیز از مساله متضرر شود. هرهار جنبش سبز اگر صرفاً به پیگیری مطالبه صنعتی خود یعنی صحت‌سنجی نتایج انتخابات پایبند می‌ماندند می‌توانستند بدنه مردمی را همچنان همسو با خود حفظ کنند.



## مروری بر پیام‌های ۹دی

تأییدی بر سلامت انتخابات نیز محسوب شد.

۹ دی، ۷ ماه پس از آغاز بهانه تقلب و شرا‌ت‌ها رخ داد تا نشانه‌ای باشد بر خویش‌انداری مردم انقلابی در برابر انحرافات. این خویش‌انداری نتیجه خود رازمانی نشان داد که طیف زیادی از گروه معترض‌ان نیز بی‌رق آشوب راه‌ها کرده و در ذیل پرچم ملی خود مجتمع شدند.

۹ دی تعیین خطوط قرمز ی برای ضدانقلاب بود تا بپایان حد حرکت آنان تا پیش از این خط قرمز است. از این‌رو پس از ۹ دی ظرفیت سوءاستفاده از وقایع کشور کاهش یافته و بهره‌گیری از ظرفیت مردم متدین علیه انقلاب تخلیه شد و در وقایع آتی مانند ۹۶، ۹۸، ۱۴۰۱ که با توجیحات گرانی، گرانی‌نیزین و فوت یک نفر در مرکز پلیس امنیت اخلاقی رخ داد، تمام توان طراحان بالاچبار بر افراد شرور و اقدامات شرا‌ت‌انگیز متمرکز شد. این روش باعث شد اقدامات التهاب‌آفرین به زمان و مکانی محدود منحصر شود.

۹ دی با ایجاد فهم عمومی در قاطبه مردم متدین، بخش اعظم آنها را از دایره تصمیم‌گیری و طمع طراحان خارج کرده و موجب شد طراحی‌های بعدی صرفاً به هويت‌دهی و سوزاندن بخش‌های دیگری از جامعه اختصاص پیدا کند.

مشخص شدن حد و مرزهای جامعه این پیام‌د را برای دشمن به دنبال داشت که از گستره اقدامات خود کاسته و اهداف سنگین خود علیه ایران را بر دوش بخش کوچک‌تری سوار سازد که همین امر ضمن

نمونه جوامع متکثر و متحد در منطقه زیاد است. البته هرکشوری مختصات خاص خود را دارد و در همان مختصات بایستی به این تکرار احترام بگذارد. جنس تکرار سلایق در جامعه ایران هم انکارشدنی است و این مساله خود را در اعتراضات یا تجمعات گوناگون به‌خوبی نشان می‌دهد. نظرات و نگاه‌ها درباره جامعه ایران چه از سوی جامعه‌شناسان داخلی، چه از سوی جامعه‌شناسان خارج از ایران متعدد است؛ برخی می‌گویند جامعه ایران چندپاره است و سراسر اعتراض و از دست‌رفته است، برخی دیگر این نظر را به کلی رد می‌کنند. در این میان البته این نکته حائز اهمیت است که تکرار در یک جامعه به‌معنای چندجامعه‌گی نیست و در یک جامعه واحد امکان وجود سلایق سیاسی، فرهنگی، هنری و… متنوع و متکثری وجود دارد. بر همین اساس اینکه جامعه به سمت یکدستی یا به عبارت گروه‌اول از دست‌رفتگی برود، به شرایط و علل بسیاری از جمله رفتار رسانه‌ها و بازنمایی‌ای که آنها از واقعیت دارند، یا رفتار سیاسیون رفتار دولت بستگی دارد. با نگاهی اجمالی به سال ۸۸ می‌توان متوجه شد افرادی که سال ۸۸ در جنبش اعتراضی حضور داشتند، بعد از به حاشیه رانده شدن مطالبات‌شان توسط گروه‌ک‌های وابسته به خارج از ایران و هتاک‌ی این گروه‌ک‌ها به

## تکرر و اتحاد جامعه بستگی به رفتار حاکمیت دارد!

امام حسین(ع)، به خیابان‌ها آمدند و حماسه ۹ دی را رقم زدند. در حماسه ۹ دی جامعه معترض، برای حفظ تمامیت ارضی ایران به صف راهپیمایان پیوست تا یکپارچگی ملت در پایبندی به ارزش‌های دینی و ملی را به تصویر بکشد. این مساله در اتفاقات سال جاری در بازه زمانی شهریور تا دی‌ماه هم قابل رویت بود و در همین راستا پایبندی اعتقادی مردم را در مراسم تشییع شهدای گمنام شاهد بودیم. تشییع پرشوری که جلوه‌ای پر بار دید از آن را مردم روستای پردنجان استان چهارمحال و بختیاری رقم زدند.

اینکه جامعه به سمت خشونت در اعتراضات برود یا اینکه درحالی‌که معترض است، مسالمت‌آمیز اعتراض خود را به گوش مسئولان برساند، امری است که به مکانیسم حکمرانی بستگی دارد. هر زمان اصلاحی در این مکانیسم صورت بگیرد، در شرایطی که مجدداً اعتراضی در کشور ایجاد شود، مردم معترض به دفاع از ارزش‌های انسانی و بازتولید حماسه دی ۸۸ می‌پردازند، اما در شرایطی که این اصلاح کند صورت بگیرد یا اصلا صورت‌نگیرد مجدداً باید منتظر کنشی اعتراضی از همین مردم معتقد بود. کنشی که عدم طراحی بستر مناسب برای حصول نتیجه‌ای منطقی ه‌ر بار که رخ دهد زمینه به حاشیه رانده شدن آن و سوءاستفاده معاندان نیز فراهم می‌شود.

ضدانقلابی داشته باشند، ۹ دی باعث شد چهره‌های سیاسی با هدف جلوگیری از طرد شدن در فضای اجتماعی نسبت به سران حصرشده فتنه اعلام موضع روشنی داشته باشند. پس از ۹ دی جریانات سیاسی تلاش کردند با روش‌هایی همچون تقسیم زمانی و اهدافی جمع‌ات و اعتراضات، هویت خود را از وقایع رادیکال رده‌خده میرا کنند. بر همین اساس بود که در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن حسن روحانی و خییل‌بزرگی از جریانات سیاسی نزدیک به او، بدنه اصلی و مصر اردوکنشی‌ها مجالس برای بروز نیاقت و خواست رفع حصر نیز تنها در بوق تعدادی رسانه و فرد که تلاش برای برگزگنمایی آن داشتند محدود ماند و خاموش شد.

۹ دی حرکت جوش و خروش مردم ذیل فراخوان نهادهای انقلابی بود تا مشخص گردد نهادهای برآمده از انقلاب ظرف بزرگی از جامعه ایران هستند و قدرت حضور اثر گذار در میدان را دارند. قدرتی که عدم به‌کارگیری آن بیش از آنکه به ضعف‌های ساختاری بازگردد ناشی از سوء عملکردها و رویکردهای منفعلانه افراد متصدی امر است.

یکی از اهداف آشوب‌های سال ۸۸ درگیرساختن ایران به فضای داخلی و جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای تهران بود. برخلاف خواست طراحان، ایران این آشوب‌ها را مهار کرده و نیروی قدرتمندتری برای مواجهه با دشمن خارجی به‌دست آورد. نیرویی که در سال‌های بعد برای مبارزه با گروه‌ک‌های تروریستی همچون داعش و حامیان بین‌المللی آن به کار گرفته شد و به‌ثمر نشست.